

درس پنجم**بیداد ظالمان**

قالب شعر: قصیده

۱- هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد**قلمرو زبانی:** رونق: فروغ روشنایی، اعتبار**قلمرو ادبی:** گذر مرگ: کنایه از نابودی و زوال / تشخیص: گذر کردن به مرگ نسبت داده شده است / زمان و

جهان: قافیه / جهان: مجاز از زندگی / رونق زمان: کنایه از رونق و شکوه دوران - روزگار قدرت و تسلط

قلمرو فکری: مرگ به سراغ شما نیز خواهد آمد / رواج و گرمی بازار شما هم با آمدن مرگ به پایان می‌رسد.**۲- وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد****قلمرو زبانی:** بوم: جغد / محنت: رنج، اندوه و غم / از پی: به خاطر / دولت: دارایی / دولت آشیان: آشیان

دولت، خانه خوشبختی

قلمرو ادبی: بوم محنت: اضافه تشبیهی / بوم (جغد): نماد شومی / بوم محنت بر آشیان کسی گذشتن: کنایه

از نابودی قدرت و اعتبار / تلمیح: بوم محنت... (اشاره دارد به اعتقادی عامیانه درباره نحس بودن جغد.

گذشتگان می پنداشتند که عبور جغد از کاشانه ای باعث ویرانی آن می‌گردد.) / دولت آشیان: تشبیه

قلمرو فکری: رنج و سختی، جغد شوم و ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند؛ شما را نیز خانه خراب خواهد کرد.**۳- آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد****قلمرو زبانی:** اجل: مرگ / گلوگیر: قطع کننده نفس**قلمرو ادبی:** آب اجل: اضافه تشبیهی / مصراع اول: تشخیص / خاص و عام: مجاز از همه / تلمیح به آیه « کل

نفس ذائقة الموت » / آب اجل بر حلق کسی گذشتن کنایه از: مرگ و نابودی / مراعات نظیر: (گلو، حلق، دهان) /

تضاد: (خاص، عام) / گلوگیر بودن کنایه از کشنده بودن

قلمرو فکری: مرگ که به هیچ کس رحم نمی‌کند و دامنگیر همه می‌شود به سراغ شما نیز خواهد آمد.**۴- چون داد عادلان به جهان در، بقا نبرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد****قلمرو زبانی:** چون: حرف ربط وابسته ساز / داد: عدالت و انصاف / بقا: باقی، جاودانگی، ماندگاری / داد: عدل /

بگذرد: تمام می‌شود / بیداد: بی عدالتی، ظلم / آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم از نشانه های سبک قدیم

است؛ به جهان در .

قلمرو ادبی: داد و بیداد: تضاد / واج آرای « ا، د »**قلمرو فکری:** وقتی عدالت و دادپروری عادلان، در جهان باقی نماند / پس ظلم و ستم شما ظالمان نیز پایدار

نخواهد ماند.

* ارتباط معنایی دارد با: ۱- ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما / بر قصر ستم کاران تا خود چه رسد خذلان(خاقانی)
۲- نماند همی نیک و بد پایدار

۵- در مملکت چو غرّش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد

قلمرو ازبانی: غرّش: صدای مهیب ، فریاد ترسناک

قلمرو ادبی: غرّش شیران، استعاره از عدل و داد و فرمانروایی حاکمان بزرگ / سگان؛ استعاره از : حکومت ذلت بار ظالمان و حاکمان نالایق / تضاد: (شیران، سگان) و (غرّش ، عوعو) / مملکت مجازا دنیا / شیران استعاره از شجاعان و بزرگان / عوعو: استعاره از قدرت های ظاهری

قلمرو فکری: وقتی فریاد و غرّش شیرمردان و انسان های دلیر باقی نماند پس این پارس کردن های شما فرومایگان نیز از بین خواهد رفت. / (زوال پذیری شکوه و قدرت ظاهری انسان های پست و فرومایه)

۶- بادی که در زمانه بسی شمع ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: چراغدان : جای چراغ ، وسیله ای که چراغ را از باد و باران محافظت می کند.

قلمرو ادبی: باد: استعاره از مرگ / شمع: استعاره از وجود انسان های بزرگ / چراغدان: استعاره از زندگی - عمر / باد بر شمع و چراغدان وزیدن: کنایه از مرگ و نابودی / تلمیح به آیه: « کل نفس ذائقة الموت » / کشتن: کنایه از خاموش کردن / مراعات نظیر: (شمع و چراغدان)

قلمرو فکری: حوادث روزگار که قدرت های زیادی را از بین می برد، روزی شکوه و رونق شما را نیز از بین خواهد برد. (این باد مرگ ، چراغ زندگی شما را نیز خاموش خواهد کرد.)

۷- زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ناچار، کاروان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: کاروانسرا: دنیا / کاروان: زندگی ، انسان ها

قلمرو ادبی: کاروانسرا: استعاره از دنیا / کاروان در مصراع اول استعاره از انسان ها. کاروان دوم استعاره از عمر زندگی و حکومت / تکرار: (کاروان) / واج آرایی « ا »

قلمرو فکری: به این دنیا که همانند کاروانسرا است افراد زیادی آمدند و از آن رفته اند پس شما نیز به ناچار دنیا را ترک خواهید کرد.

۸- ای مُفتخر به طالع مسعود خویشان تا سخی اختران شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: مفتخر: صاحب افتخار / طالع: سرنوشت، بخت / مسعود: فرخنده، نیکو / اختران : ستارگان / خویشان : ضمیر مشترک

قلمرو ادبی: تلمیح: اعتقاد قدما بر این بود که ستارگان بر سرنوشت ما تأثیر دارند. / مصراع دوم کنایه از: بخت نیک شما نیز به پایان خواهد رسید. / مراعات نظیر: (طالع و اختران) / واج آرایی: «ت»

قلمرو فکری: ای کسی که به بخت و اقبال خود می نازی و به آن افتخار می کنی، این خوشبختی و خوش اقبالی شما نیز سپری خواهد شد.

۹- بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: جور : ستم / سختی کمان: قدرت

قلمرو ادبی: اضافه تشبیهی: تیر جور (جور مانند تیر است) / تشبیه: ز تحمل سپر کنیم « تحمل مانند سپری است » / سپر کردن: کنایه از: دفاع کردن / سپر کردن تحمل: کنایه از مقاومت در برابر ظلم و ستم / گذشتن سختی کمان: کنایه از به پایان رسیدن ظلم / مراعات نظیر: (تیر، سپر، کمان)

قلمرو فکری: در مقابل ظلم و ستم شما صبر و بردباری می‌کنیم، تا دوران پر از سختی و ظلم و ستم شما نیز به پایان برسد.

۱۰- ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: رمه: گله / گرگ طبع: گرگ صفت، درنده خو / شبان: چوپان

قلمرو ادبی: رمه: استعاره از مردم / چوپان: استعاره از کارگزاران ظالم درنده خو / گرگی: استعاره از رفتار ظالمانه / شبان: استعاره از حاکمان ظالم / گرگ، رمه، چوپان، شبان: مراعات نظیر / پارادوکس (متناقض نما): گرگ طبع بودن شبان (گرگی شبان) / گرگ طبع: تشبیه

قلمرو فکری: ای کسی که مردم را به دست کارگزاران درنده خو سپرده‌ای، این درنده خوبی کارگزاران شما نیز از بین خواهد رفت. سیف فرغانی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی:

۱- در شعری که خواندید، پنج واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

رونق - محنت - اجل - غرّش - طالع

۲- تفاوت معنایی فعل‌های مشخص شده را توضیح دهید:

■ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید (از بین برد)

■ بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد (خاموش کرد)

۳- برای هر واژه مشخص، یک مترادف از متن درس بیابید.

بر در بخت بد فرو آید هر که گیرد عنان ش، آز ناصر خسرو

طالع

همّت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همّت تو اعتبار تو ابن یمین

رونق

www.my-dars.ir

قلمرو ادبی:

۱- قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید. قافیه: جهان، زمان ردیف: شما نیز بگذرد

۲- در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید:

بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

سپر کردن: دفاع کردن / سختی کمان شما نیز بگذرد: سرسختی و قدرت شما نیز تمام می‌شود.

۳- در بیت پنجم ، استعاره ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید. شیران : استعاره از مردان مبارز و شجاع / سگان : استعاره از مردان پست و فرومایه.

قلمرو فکری:

۱- با توجه به توضیح زیر ، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.
« سیف الدین محمد فرغانی ، در سده هفتم هجری ، هنگامی که شهرهای بزرگ و آبادان ایران ، در آتش بیداد مغولان می سوخت ، این شعر را سرود. سیف در این سروده ، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول ، با بیان کوبنده ای انتقاد می کند.

۲- در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه» ، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟
ای تو رمه سپرده به چوپانِ گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد
رمه: مردم / چوپان گرگ طبع: حاکم ظالم و درنده خو / گرگی شبان: ستم و درنده خویی حاکم
۳- از متن درس ، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید:

«الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ».

ای مُفْتَخِرْ به طالعِ مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد
«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ».

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونق زمان شما نیز بگذرد
بادی که در زمانه بسی شمع ها بگشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

۴- سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟ بیت چهارم
ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران ، گویی چه رسد خذلان؟ خاقانی
خذلان: خواری ، پستی، مذلت

شعر خوانی

۱- علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

قلمرو زبانی: « را » مصرع اول: حرف اضافه / « را » مصرع دوم: مفعولی / هما: پرنده سعادت / ماسوی: همه موجودات مخفف (ماسوی الله) آیت: نشانه

قلمرو ادبی: همای رحمت: تشبیه / هما: استعاره از حضرت علی

قلمرو فکری: ای علی، ای همای سعادت ، تو چه نشانه ای از خداوند هستی، که سایه خوشبختی و رحمت خداوند را بر سر همه موجودات عالم افکندی.

۲- دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من ، به خدا قسم خدا را

قلمرو زبانی: دل: منادا / خداشناس: مسند / به خدا قسم: حذف فعل به قرینه معنوی

قلمرو ادبی: دیدن در رخ علی: کنایه از توجه کردن / دل: تشخیص (ای دل) / علی و خدا: تکرار / رخ: مجاز از وجود

قلمرو فکری: ای دل، اگر می خواهی خدا را بشناسی به چهره علی نگاه کن، به خدا سوگند که با وجود علی است که من خدا را شناخته ام. مفهوم: خداشناسی با شناخت امام علی به کمال می رسد.

۳- برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

قلمرو زبانی: کرم: لطف، بخشش، جوانمردی / «را» مصرع دوم: حرف اضافه / مسکین: بیچاره، فقیر

قلمرو ادبی: در کسی را زدن: کنایه از درخواست کمک / نگین: مجاز از انگشتری / تلمیح به بخشیدن

انگشتری بر سر نماز

قلمرو فکری: ای گدای بی چاره برو به خانه ی علی (ع) و از او چیزی بخواه چرا که علی (ع) به گدایان فراوان بخشش می کند.

۴- به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟

قلمرو زبانی: مدارا: به مهربانی رفتار کردن

قلمرو ادبی: تلمیح به ضربت خوردن حضرت علی به دست ابن ملجم / مصرع اول: استفهام انکاری

قلمرو فکری: تنها علی (ع) است که به پسر خود سفارش می کند که با قاتل خود با نرمی و ملایمت رفتار کند.

۵- به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟

قلمرو زبانی: ابوالعجایب: صاحب شگفتی ها / علم: پرچم، درفش، لوا، بیرق (واژه هم آوا: الم)

قلمرو ادبی: مصرع اول: استفهام انکاری/علم کردن:کنایه از معروف کردن/عالم: جناس/تلمیح: به واقعه کربلا

قلمرو فکری: تنها علی (ع) است که پسری دارد که می تواند شهدای کربلا را در عالم مشهور سازد.

۶- چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟

قلمرو زبانی: چو: حرف ربط / پاکبازان: عاشقان واقعی

قلمرو ادبی: مصرع دوم: استفهام انکاری / مصرع دوم (ضمیر پرسشی) و که (حرف ربط): جناس همسان

/ تلمیح: به شب هجرت و وفاداری حضرت علی و اثبات وفاداری

قلمرو فکری: تنها علی(ع) وقتی که با خداوند عهد می بندد تا لحظه ی آخر بر سر عهد و پیمان خود باقی می ماند

و آن را به پایان می رساند.

۷- نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نام شه ملک لافتی را

قلمرو زبانی: نه: حرف ربط / متحیر: مسند

قلمرو ادبی: شه ملک لافتی: استعاره از حضرت علی / نه خدا توانش خواند: اغراق / شه ملک لافتی...: تلمیح به

حدیث "لافتی الا علی لا سیف الا ذو الفقار"

قلمرو فکری: نه می توانم او را خدا بخوانم و نه می توانم بشر بگویم، در حیرت هستم که پادشاه سرزمین

جوانمردی را چه باید بنامم.

۸- چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

قلمرو زبانی: نای: نی / نوا: صدا، آهنگ / لسان غیب: لقب حافظ / را: نشانه مفعول

قلمرو ادبی: چو نای: تشبیه / دم اول: مجاز از لحظه / دم دوم: مجاز از سخن / دم و دم: جناس همسان / دم ، نای و بنوازد: مراعات نظیر

قلمرو فکری: چرا هر لحظه از شوق و اشتیاق به او همانند نی ناله سر دهم؟ در حالی که حافظ بهتر توانسته است این شوق و اشتیاق را بیان کند...

۹- همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

قلمرو زبانی: همه شب: ترکیب وصفی / این امید: وصفی

قلمرو ادبی: بیت تضمین از حافظ / پیام رسانی نسیم: تشخیص

قلمرو فکری: تمامی شب را به این امید می گذرانم که نسیم صبح از آشنایی برایم پیام محبت بیاورد ، تا مایه ی آرامش خاطر من شود.

۱۰- ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

قلمرو زبانی: شهریار: منادا / مرغ یا حق: پرنده شباهنگ / شهریار: تخلص (نام شعری شاعر)

قلمرو ادبی: دل شب: استعاره

قلمرو فکری: ای شهریار ، از ناله های مرغ شب یاد بگیر که راز و نیاز کردن با دوست در نیمه های چه قدر زیبا و خوش است.

سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)

درک و دریافت

۱- برای خوانش مناسب و تأثیر گذار این سروده به چه نکاتی باید توجه داشت؟

لحن عاطفی و ملایم که بیانگر ارادت شهریار به حضرت علی است

۲- در این سروده به کدام ویژگی های شخصیت والای حضرت علی (ع) اشاره شده است؟

بخشش و جوانمردی - سفارش به رفتار خوب با اُسرا - وفاداری نسبت به عهد و پیمان

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir